

## بررسی نقش دانش بومی، مهاجرت و مالکیت در مشارکت روستاییان در بهره‌برداری بهینه از مراتع (آبخیز چهکند - شهرستان بیرجند)

نعمت ا... خلیقی<sup>۱</sup>، بهاره چکشی<sup>۲</sup> و مرجان کیا<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشکده مرتع و آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مرتعداری

<sup>۳</sup> کارشناس مرتع و آبخیزداری

(تاریخ دریافت: ۸۱/۷/۲۲، تاریخ تصویب: ۸۴/۲/۳۱)

### چکیده

بهره‌برداری توأم با تجدید حیات منابع طبیعی، از اساسی‌ترین دستاوردهای جوامع پیشرفته صنعتی است که متضمن رعایت مسائل حفاظت و تامین شرایط لازم و مناسب در آنهاست. تحولات دو دهه اخیر، در ایران ضرورت مشارکت مردم در امر احیا و مدیریت منابع طبیعی را ملموس‌تر ساخته، لیکن به دلیل گستردگی منابع بویژه در عرصه‌های مناطق خشک و نیمه‌خشک با پراکندگی بیش از حد جمعیت انسانی، افزایش تعداد دام غیر مجاز در مراتع و بهره‌برداری مفرط، مسئولان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. کاهش مشکلات بدون مشارکت مستقیم مردم میسر نخواهد بود. در سال ۱۳۸۱، این پژوهش به روش پیمایشی و با بهره‌گیری از رگرسیون لجستیک انجام شد و اهداف تحقیق که همانا تعیین تاثیر متغیرهای مستقل دانش بومی، مالکیت زمین مزروعی، مالکیت واحد دامی و مهاجرت بر مشارکت بهره‌برداران از مراتع مورد بررسی قرار گرفت. در همین زمینه با توجه به اهداف و فرضیات موجود اقدام به تهیه پرسشنامه شد. لیکن به دلیل پراکندگی روستاها و مهاجرت شدید روستاییان، نمونه‌گیری خوشه‌ای به شیوه تصادفی ساده برای ۲۰۵ خانواده بهره‌بردار از طریق مصاحبه مستقیم به عمل آمد. نتیجه تحقیقات رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که از میان عوامل متعدد، دانش بومی، مالکیت واحد دامی و مهاجرت به ترتیب با احتمال ۶۲ درصد بیشترین تاثیر را در روند مشارکت روستاییان در بهره‌برداری بهینه از مراتع داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** خط فقر، دانش بومی، مالکیت مشاعی، واحد دامی، مشارکت روستاییان.

## مقدمه

بهره‌برداری بهینه از مراتع بر مبنای بهبود کمی و کیفی بهره‌برداری‌ها یا پایداری محیط‌زیست است که پایه اصلی توسعه به شمار می‌رود. توسعه به معنای رشد برنامه‌ریزی‌شده است که ابعاد آن با معیارهای علمی سنجیده شده باشد. توسعه به تامین نیازهای اساسی و ثانوی افراد، افزایش سطح تامین نیازهای اساسی، بهبود سطح تامین نیازهای ثانویه، تحقق بخشیدن به هویت انسانی، ایجاد فرصتهای نسبی متعادل، عدالت اقتصادی و اجتماعی و گسترش مشارکت بستگی دارد. می‌توان گفت که تمام معضلات موجود در شهرها ناشی از عدم توجه به توسعه فراگیر در روستاهاست. اگرچه رقم مهاجرت روستاییان به شهرها چشمگیر و قابل توجه است، لیکن هنوز بخش عمده‌ای در مناطق روستایی سکونت دارند. از این رو لزوم توجه به توسعه روستاها اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با نگرشی سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه‌گر می‌شود و لزوم مشارکت بهره‌برداران در برنامه‌های اصلاحی و بهره‌برداری بهینه از مراتع هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد (۴). بهره‌گیری از دانش بومی بویژه در طرح‌های اصلاحی - احیایی توأم با آموزش و گسترش آگاهی بهره‌برداران، بافت سنتی را دگرگون می‌سازد و نوآوری آگاهانه را به ارمغان می‌آورد.

مردم، منابع و مشارکت، سه رکن اساسی توسعه انسانی پایدار را تشکیل می‌دهند، با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری دارد و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعالیت مطلوب در می‌آیند (۳). به عبارت دیگر، مشارکت به دلیل اینکه هم هدف توسعه و هم وسیله‌ای برای رسیدن به آن است، ضمن نقش ترکیب‌کننده دو عامل دیگر، برآیند آن نیز به شمار می‌آید. به همین لحاظ مشارکت عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار تلقی می‌شود و از آن به عنوان حلقه گمشده این فرایند یاد می‌شود. این حقیقت نیز ثابت شده که مشارکت مردمی رگ حیاتی راهبرد توسعه است، از آن نظر که به توسعه نمی‌توان فقط به عنوان یک فرایند فنی

نظر داشت، بنابراین برای رسیدن به آن فقط اراده تغییر و توسعه جامعه از طرف مسئولان کافی نیست، بلکه باید به اراده مردمی تبدیل شود.

در اتکا به برنامه‌های مشارکتی توجه به این نکته ضروری است که این برنامه‌ها باید به مثابه چشمه جوشانی، خود از درون بترآود و برای همیشه پایدار و پویا باقی بماند. این حالت مانند ریختن آب در گودال است که اگرچه ممکن است در کوتاه مدت مخزنی از آب داشته باشیم، اما به پایداری آن امیدی نمی‌توان بست.

هدف اصلی انجام این پژوهش تعیین جایگاه و نقش مشارکت روستاییان در عملیات مربوط به اصلاح و احیای مراتع به منظور بهره‌برداری اصولی و مناسب از منابع طبیعی است. توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی همچون دانش بومی، مهاجرت و مسئله مالکیت‌ها، از اهداف اصلی این پژوهش به شمار می‌رود.

## بررسی منابع

هستی بدون انسان، بستر اصلی تمامی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. به عبارتی منابع طبیعی بستر رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع روستایی است که سرلوحه اقدام‌های دولتمردان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. روند تخریب روزافزون منابع، لزوم احیا و اصلاح عرصه‌های تخریب‌شده را با مشارکت مستقیم مردم طلب می‌کند.

تری (۱۹۹۶) (H.C Tri)، مسائل فرهنگی را عنصر مهمی در جلب مشارکت مردم می‌داند. وی اعتقاد دارد بدون توجه به مسائل فرهنگی نمی‌توان به طور موفقیت‌آمیز به مشارکت مردمی به‌ویژه در روستاها دست یافت. پراکندگی بهره‌برداران، دسترسی آنها را به نهادهای فرهنگی کم می‌کند (۱۱).

به نظر سنجرى، غلامرضا (۱۳۷۲)، مهم‌ترین مرحله و بعد مشارکتی در جوامع روستایی مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها است. نمونه موفقى از مشارکت مردم در عملیات اصلاح و احیای مراتع در چشمه گل استان خراسان به چشم

در پروژه‌های گوناگون در قالب دانش‌های بومی که کارکردهای هزاران ساله دارند، صورت گیرد (۱). نیامیر. مریم - Maryam, Niamir (۱۹۹۵)، اظهار می‌دارد بررسی بومیان آفریقا در مناطق خشک و نیمه‌خشک نشان می‌دهد که بومیان استعداد و گرایش چشمگیری به مشارکت و همفکری در تصمیم‌گیری‌های جمعی و همکاری از خود نشان می‌دهند (۱۲).

### مواد و روش‌ها

روش این تحقیق توصیفی پیمایشی، با بهره‌گیری از رگرسیون لوجستیک است.

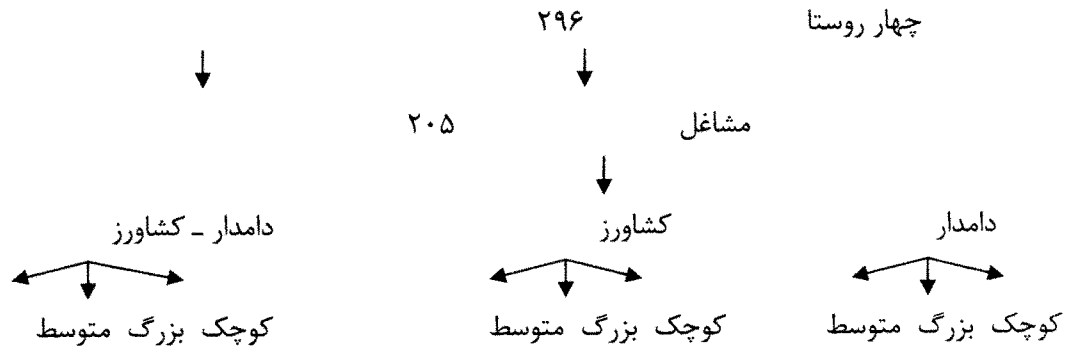
می‌خورد. در این طرح تعیین محدوده قرق اکولوژیک با توافق و نظرخواهی دامداران و روستاییان ذینفع صورت گرفت. پس از اجرای طرح تمامی اهالی منطقه خود را مقید به حفاظت محدوده طرح و اجرای صحیح قوانین کردند. این طرح در مساحتی به وسعت ۶۰۰۰ هکتار در محدوده اراضی ملی اجرا شد و شامل پروژه‌های بذریاشی، بوته کاری و سایر عملیات اصلاح مراتع است (۸).

آرخی، صالح (۱۳۷۷)، با بررسی مالکیت دام و زمین در منطقه دشت گمیشان و تاثیر این دو عامل بر میزان همکاری در اصلاح و احیای مراتع، به این مهم اشاره می‌کند که بین تعداد دام، نوع همکاری و میزان مشارکت ارتباط زیادی وجود ندارد و دامداران کوچک، متوسط و بزرگ مالک همگی به شرکت در سرنوشت اقتصادی - اجتماعی خود علاقه‌مندند و فقط شدت و ضعف تمایلات متفاوت است. از سوی دیگر، در زمینه مالکیت زمین معتقد است بر خلاف تعداد دام که تاثیر زیادی در میزان همکاری ندارد، مالکیت اراضی مرتعی نقش مهمی در مشارکت روستاییان در اصلاح و احیای مراتع دارد. ۶۳ درصد افراد ساکن در منطقه دلیل عدم فعالیت برای بهتر شدن وضعیت مراتع را تعیین نشدن مالکیت عرصه‌ها مطرح کرده‌اند و شرط همکاری در آینده را مرهون مشخص شدن وضعیت مالکیت‌ها می‌دانند (۲).

به نظر Woog (۱۹۹۳)، شناخت و احترام به دانش و بومی مردم ساکن در یک ناحیه و مطرح ساختن واقعیات برای آنها از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به عوامل برانگیزاننده مشارکت است. Woog, Kelleher و Tunner نیز در سال ۱۹۹۳ به این مهم اشاره کردند (۱۳). به نظر ابراهیم‌پور. محسن (۱۳۷۸)، پذیرش این واقعیت که در ایجاد انگیزش و تحقق کنش مشارکتی مردم در پروژه‌های منابع طبیعی ناموفق بوده‌ایم و این ناکامی موجبات هدررفت بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با احیای عرصه‌های طبیعی را فراهم کرده است، نشان‌دهنده عدم توجه به نهادهای سنتی و یافته‌های بومی ساکنان مناطق مختلف است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که جلب مشارکت

## جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده براساس طبقه بندی درصدی متغیرهای پایه:



## شیوه نمونه‌گیری

برای فراوانی: کمتر از ۲۰ خانوار همه پرسى  
 ۲۰-۳۰ خانوار ۸۰ درصد  
 ۳۰-۴۰ خانوار ۵۰ درصد  
 + ۴۰-۵۰ خانوار ۳۰ درصد

## مشخصات منطقه مورد مطالعه

حوزه آبخیز چهکنند - کندر در جنوب شرقی چاهک موسویه با مساحتی حدود ۱۳۰۰۰ هکتار در ۵۵ کیلومتری شمال دشت بیرجند در جنوب استان خراسان در منطقه‌ای تقریباً کوهستانی و تپه ماهوری واقع شده است. زیرحوزه چهکنند در بخش شمالی حوزه واقع شده و ۵۵۳۵ هکتار وسعت دارد که حدود ۲۷۲۰ هکتار آن بستر زیر پوشش عملیات اصلاحی - احیایی مراتع قرار گرفته است. از کل مساحت ۵۳۳۵ هکتاری حوزه، ۱۲۹ هکتار اراضی صخره‌ای، ۸۰۶ هکتار دیمزارها، ۲۵۶ هکتار باغ‌ها و اراضی کشاورزی آبی و ۴۱۴۴ هکتار را اراضی مرتعی تشکیل می‌دهند، با ۷۰ حلقه چاه، ۲۴۷ رشته قنات و ۳۱ چشمه دائمی که در

مجموع ۷۵ میلیون مترمکعب آب آنها در سال مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

شیب متوسط حوزه ۱۰/۹٪ است، بلندترین قله ۲۲۵۱ متر از سطح دریا و گودترین ۱۷۷۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. در دوره آماری بیست ساله متوسط حداکثر درجه حرارت ۲۴/۶ درجه سانتی‌گراد و متوسط حداقل درجه حرارت ۸/۵ درجه سانتی‌گراد و متوسط بارندگی سالانه ۱۶۸/۴۹ میلی‌متر گزارش شده است.

براساس مطالعات، مراتع سیر قهقرایی دارد و با تولید علوفه در هکتار (۲۸ کیلوگرم)، ۱۲۴۵ راس دام به مدت ۱ ماه می‌تواند در مرتع تعلیف کند. در منطقه قرق، تولید علوفه به ۶۸ کیلوگرم در هکتار افزایش نشان می‌دهد. از

۱- فال سلیمان، محمود. ۱۳۸۰. گزارش هوا و اقلیم پروژه امکان‌سنجی توسعه ایستگاه تحقیقات آبخوانداری بیرجند، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام جهاد کشاورزی استان خراسان.

تعداد مردان شاغل ۲۳۳ نفر و زنان شاغل ۱۸۷ نفر است (جمعیت فعال ۶۷۳ نفر است). در سال ۱۳۷۴ در مجموع ۳۵۰۰ راس دام در کل حوزه وجود داشته که در سال ۱۳۸۱ به ۳۵۰ راس تقلیل یافته است.

سویی براساس اعلام مدیریت امور دام شهرستان بیرجند، در سال ۱۳۸۰، به دلیل خشکسالی از ۳۵۰۰ واحد دامی در کل حوزه به ۳۵۰ واحد تقلیل یافته است. منطقه دارای چهار روستا با جمعیت ۱۰۲۹ نفر شامل ۲۵۵ خانوار است که همگی دارای رشد جمعیت منفی اند.

جدول ۱ - توزیع فراوانی جامعه آماری به تفکیک هر آبادی

| نام آبادی     | تعداد جامعه آماری (خانوار) | تعداد نمونه (خانوار) |
|---------------|----------------------------|----------------------|
| چکند روشناوند | ۵۸                         | ۴۲                   |
| ساقی          | ۱۲۴                        | ۷۶                   |
| مولید         | ۴۹                         | ۴۱                   |
| رویخت         | ۶۵                         | ۴۶                   |

ماخذ: آمار نامه بهداشت شهرستان بیرجند

### روش‌های آماری

بهره‌برداری از مراتع منطقه از قدیم تا کنون به شیوه سنتی (عرفی) و به این ترتیب که هر خانواده بر اساس مالکیت عرفی که از نظر سایر روستاییان پذیرفته شده، مجاز به استفاده از مراتع است. به دلیل عدم ممیزی مراتع، در حال حاضر بهره‌برداری به همان سبک گذشته اعمال می‌شود. مشخص می‌شود که تبدیل مراتع به زمین کشاورزی و در نتیجه کار بر روی عرصه‌ها می‌تواند نقش مهم و موثری بر مالیکت داشته باشند.

مهم‌ترین روش آماری مورد استفاده آزمون رگرسیون لوجستیک در محیط نرم‌افزاری Spss بوده که قادر به تبیین احتمال تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تابع است.

### نتایج

الف- رابطه بین میزان مالکیت (مرتع، زمین زراعی و واحد دامی) با مشارکت روستاییان

جدول ۲ - رابطه بین تبدیل مراتع و میزان مشارکت بهره‌برداران

| متغیر مستقل          | نوع آزمون            | مقدار آزمون | سطح معنی داری (Sig.) |
|----------------------|----------------------|-------------|----------------------|
| مالکیت و تبدیل مراتع | ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۳۱۰ xx    | ۰/۰۰۰                |

منبع: نرم افزار Spss

xx سطح معنی داری ۰/۰۱

توجه به الگوهای مالکیت به‌عنوان یک نیروی اجتماعی قوی آثار مستقیمی بر انگیزه و قدرت جمعیت روستانشین دارد. فلاح (Fallah) در خاورمیانه، کامپسینو (Campesino) در آمریکای جنوبی و کولی (Coolie) در آسیای جنوب شرقی، همگی خواهان قطعه زمینی هستند که از آن خودشان باشد و آنرا تحقق یکی از

جدول ۲ نشان می‌دهد که با ضریب اطمینان بیش از ۹۹٪ بین دو متغیر مشارکت و مالکیت و تبدیل مراتع رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. به این ترتیب با افزایش تبدیل مراتع و مالکیت آن توسط بهره‌برداران بر مشارکت آنان نیز افزوده می‌شود.

سرمایه در عرصه‌ها و بویژه مراتع و اهمیت دادن به آنها به حفاظت و احیای آن همت گمارند.

بزرگ‌ترین آرزوهای خویش می‌دانند (۷). اساساً مشارکت مردم برای بهبود شرایط زیست سبب می‌شود که با انگیزه‌ای دو چندان گام بردارند و با اتکا بر به هدر نرفتن

جدول ۳- رابطه بین مالکیت دام (واحد دامی) و نحوه مشارکت بهره‌برداران

| کل  | ۲۵ واحد و بیشتر | ۱۰ - ۲۴/۹۹ | ۵ - ۹/۹۹ | کمتر از ۵ واحد | واحد دامی                      |             |
|-----|-----------------|------------|----------|----------------|--------------------------------|-------------|
|     |                 |            |          |                | وضعیت مشارکت                   |             |
| ۷۸  | ۴               | ۲۶         | ۱۳       | ۳۵             | فراوانی                        | عدم مشارکت  |
| ۱۰۰ | ۵/۱             | ۳۳/۳       | ۱۶/۷     | ۴۴/۹           | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت   |             |
| ۳۸  | ۳۰/۸            | ۳۵/۶       | ۳۸/۲     | ۴۱/۲           | در فراوانی در بین مالکیت دام   |             |
| ۴۸  | ۲               | ۱۲/۹       | ۵/۹      | ۱۷/۳           | درصد کل                        |             |
| ۱۲۷ | ۹               | ۴۷         | ۲۱       | ۵۰             | فراوانی                        | قبول مشارکت |
| ۱۰۰ | ۷/۱             | ۳۷         | ۱۶/۵     | ۳۹/۴           | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت   |             |
| ۶۲  | ۶۹/۲            | ۶۴/۴       | ۶۱/۸     | ۵۸/۸           | درصد فراوانی در بین مالکیت دام |             |
| ۶۲  | ۴               | ۲۲/۳       | ۱۰/۲     | ۲۴/۸           | درصد کل                        |             |
| ۲۰۵ | ۱۳              | ۷۳         | ۳۴       | ۸۵             | فراوانی                        | مجموع       |
| ۱۰۰ | ۶/۳             | ۳۵/۶       | ۱۶/۶     | ۴۱/۵           | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت   |             |
| ۱۰۰ | ۱۰۰             | ۱۰۰        | ۱۰۰      | ۱۰۰            | درصد فراوانی در بین مالکیت دام |             |
| ۱۰۰ | ۶/۳             | ۳۵/۶       | ۱۶/۶     | ۴۱/۵           | درصد کل                        |             |

واحد دامی و مشارکت در قرق مراتع و بادامکاری رابطه مستقیم مشاهده می‌شود، به شکلی که با کم شدن واحد دامی مشارکت ضعیف و با افزایش مالکیت دام، جلوه‌های مشارکت در میان بهره‌برداران آشکارتر می‌شود.

در منطقه چپکند اراضی زراعی یکپارچه و وسیع، بسیار کم و بندرت دیده می‌شود. غالب روستاییان از مالکیت زراعی پایین برخوردارند (خرده مالک) و بزرگ مالکانی که بیشتر از ۵ هکتار زمین کشاورزی دارند، فقط ۱۲ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند.

پهنه وسیعی از مراتع، عرصه کار و فعالیت بهره‌بردارانی است که به دلیل خشکسالی چند سال اخیر، تعداد واحد دامی آنان به طور متوسط به ۰/۱ رسیده است. تعداد واحد دامی بهره‌برداران اهمیت زیادی در میزان مشارکت آنها دارد. حدود ۶۷ درصد دامداران تمایل به مشارکت در بهره‌برداری بهینه از مراتع دارند. در بین بهره‌بردارانی که بیش از ۱۰ واحد دامی دارند، ۴۲ درصد در بهره‌برداری از مراتع شرکت می‌کنند و ۳۹ درصد آنان هیچ گونه کوشش و تمایلی به مشارکت در بهره‌برداری اصولی و بهینه (قرق و بادامکاری) از مراتع ندارند. به عبارتی بین میزان مالکیت

جدول ۴ - رابطه بین مالکیت زراعی و چگونگی مشارکت بهره‌برداران

| کل  | ۵ هکتار و بیشتر | مالکیت زراعی |          |           | وضعیت مشارکت                    |
|-----|-----------------|--------------|----------|-----------|---------------------------------|
|     |                 | ۴/۹۹ - ۳     | ۲/۹۹ - ۱ | کمتر از ۱ |                                 |
| ۷۸  | ۳               | ۷            | ۸        | ۶۰        | فراوانی                         |
| ۱۰۰ | ۳/۸             | ۹            | ۱۰/۳     | ۷۶/۹      | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |
| ۳۸  | ۱۳              | ۳۸/۹         | ۳۲       | ۴۳/۲      | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |
| ۳۸  | ۱/۵             | ۳/۴          | ۳/۹      | ۲۹/۳      | درصد کل                         |
| ۱۲۷ | ۲۰              | ۱۱           | ۱۷       | ۷۹        | فراوانی                         |
| ۱۰۰ | ۱۵/۷            | ۸/۷          | ۱۳/۴     | ۶۲/۲      | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |
| ۶۲  | ۸۷              | ۶۱/۱         | ۶۸       | ۵۶/۸      | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |
| ۶۲  | ۹/۸             | ۵/۴          | ۸/۳      | ۳۸/۵      | درصد کل                         |
| ۲۰۵ | ۲۳              | ۱۸           | ۲۵       | ۱۳۹       | فراوانی                         |
| ۱۰۰ | ۱۱/۲            | ۸/۸          | ۱۲/۲     | ۶۷/۸      | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |
| ۱۰۰ | ۱۰۰             | ۱۰۰          | ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |
| ۱۰۰ | ۱۱/۲            | ۸/۸          | ۱۲/۲     | ۶۷/۸      | درصد کل                         |

مالکیت مزروعی دارند. بیش از نیمی از مالکان کمتر از ۱ هکتار و ۹۰ درصد آنان بیش از ۵ هکتار، در طرح‌های بهره‌برداری بهینه از مراتع (قرق، بادامکاری و ...) مشارکت

جدول ۴ نشان می‌دهد که بیش از ۶۶ درصد بهره‌برداران از مراتع کمتر از ۱ هکتار زمین مزروعی دارند و فقط ۱۱ درصد آنان بیش از ۵ هکتار و ۲۱ درصد بین ۵-۱ هکتار

ب - رابطه بین مشارکت و بهره‌مندی از دانش بومی به‌علت تناسب و سازگاری این دانش با شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی توجه به دانسته‌های روستاییان به‌عنوان زمینه‌ساز مشارکت، اهمیت ویژه‌ای دارد.

می‌کنند. می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان مالکیت مزروعی و عدم مشارکت در بهره‌برداری بهینه از مراتع رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

جدول ۵ - رابطه بین موفقیت بهره‌برداران در اجرای شیوه‌های سنتی و چگونگی مشارکت

| کل  | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم   | بسیار کم | دانش بومی                       |  |
|-----|-----------|------|-------|------|----------|---------------------------------|--|
|     |           |      |       |      |          | وضعیت مشارکت                    |  |
| ۷۸  | ۳         | ۲۱   | ۱۳    | ۲۸   | ۱۳       | فراوانی                         |  |
| ۱۰۰ | ۳/۸       | ۲۶/۹ | ۱۶/۷  | ۳۵/۹ | ۱۶/۷     | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |  |
| ۳۸  | ۱۵        | ۲۸/۴ | ۳۳/۳  | ۵۸/۳ | ۵۴/۲     | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |  |
| ۳۸  | ۱/۵       | ۱۰/۲ | ۶/۳   | ۱۳/۷ | ۶/۳      | درصد کل                         |  |
| ۱۲۷ | ۱۷        | ۵۳   | ۲۶    | ۲۰   | ۱۱       | فراوانی                         |  |
| ۱۰۰ | ۱۳/۴      | ۴۱/۷ | ۲۰/۵  | ۱۵/۷ | ۸/۷      | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |  |
| ۶۲  | ۸۵        | ۷۱/۶ | ۶۶/۷  | ۴۱/۷ | ۴۵/۸     | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |  |
| ۶۲  | ۸/۳       | ۲۵/۹ | ۱۲/۷  | ۹/۸  | ۵/۴      | درصد کل                         |  |
| ۲۰۵ | ۲۰        | ۷۴   | ۳۹    | ۴۸   | ۲۴       | فراوانی                         |  |
| ۱۰۰ | ۹/۸       | ۳۶/۱ | ۱۹    | ۲۳/۴ | ۱۱/۷     | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |  |
| ۱۰۰ | ۱۰۰       | ۱۰۰  | ۱۰۰   | ۱۰۰  | ۱۰۰      | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |  |
| ۱۰۰ | ۹/۸       | ۳۶/۱ | ۱۹    | ۲۳/۴ | ۱۱/۷     | درصد کل                         |  |

سه بهره‌بردار، دو نفر معتقدند که دانش بومی در مشارکت تاثیرگذار است.

### ج- رابطه بین تحرک جمعیت و مشارکت

از دیدگاه جمعیت‌شناسی در جوامع روستایی امروز ایران، بحث مهاجرت و کاهش جمعیت روستاها اهمیت زیادی دارد. روند مهاجرت به سمت شهرهای بزرگ به‌عنوان یک

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد در بررسی رابطه بین دانش بومی و مشارکت، حدود نیمی از بهره‌برداران معتقدند میزان موفقیت با اعمال شیوه‌های سنتی بهره‌برداری همسوست و در چگونگی مشارکت تاثیر بسزایی دارد. از هر چهار نفر یک بهره‌بردار اعتقادی به تاثیر نادیده گرفتن شیوه‌های سنتی بهره‌برداری در مشارکت دامداران ندارد و در مجموع از هر



می‌دانند، بر همین اساس نیمی از بهره‌برداران که بیش از دو نفر از اعضای خانواده آنان مهاجرت به خارج از حوزه داشته‌اند، با مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های اصلاح و احیا و در نهایت بهره‌برداری بهینه از مراتع موافق بوده و رضایت خود را اعلام داشته‌اند.

پدیده همگانی که در همه کشورها وجود دارد، طی سالیان متمادی منجر به خالی از سکنه شدن روستاها شده است. از این رو مناطق غیرشهری فقط محلی برای فعالیت‌های کشاورزی است نه برای اقامت کردن. به لحاظ مقایسه و تطبیق شرایط حاکم در منطقه مورد مطالعه با سایر مناطق ایران و دنیا تأثیر مهاجرت بر مشارکت روستاییان در جدول ۶ به‌وضوح نمایان شده است.

با توجه به جدول ۶ استنباط می‌شود که از هر چهار بهره‌بردار، سه نفر بیرون کوچی بیش از دو نفر از اعضای خانواده را مرتبط با چگونگی مشارکت خانوارهای بهره‌بردار

جدول ۶ - رابطه بین میزان مهاجرت اعضای خانواده و چگونگی مشارکت بهره‌برداران

| کل  | ۴ نفر و بیشتر | ۳ نفر | ۲ نفر | ۱ نفر | بدون مهاجر | مهاجرت                          |             |
|-----|---------------|-------|-------|-------|------------|---------------------------------|-------------|
|     |               |       |       |       |            | وضعیت مشارکت                    |             |
| ۷۸  | ۱۲            | ۲۲    | ۱۴    | ۱۸    | ۱۲         | فراوانی                         | عدم مشارکت  |
| ۱۰۰ | ۱۵/۴          | ۲۸/۲  | ۱۷/۹  | ۲۳/۱  | ۱۵/۴       | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |             |
| ۳۸  | ۳۱/۶          | ۲۵/۹  | ۴۶/۷  | ۴۱/۶  | ۸۰         | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |             |
| ۳۸  | ۹/۵           | ۱۰/۷  | ۶/۸   | ۸/۸   | ۵/۹        | درصد کل                         |             |
| ۱۲۷ | ۲۶            | ۶۳    | ۱۶    | ۱۹    | ۳          | فراوانی                         | قبول مشارکت |
| ۱۰۰ | ۲۰/۵          | ۴۹/۶  | ۱۲/۶  | ۱۵    | ۲/۴        | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |             |
| ۶۲  | ۶۸/۴          | ۷۴/۱  | ۵۳/۳  | ۵۱/۴  | ۲۰         | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |             |
| ۶۲  | ۱۲/۷          | ۳۰/۷  | ۷/۸   | ۹/۳   | ۱/۵        | درصد کل                         |             |
| ۲۰۵ | ۳۸            | ۸۵    | ۳۰    | ۳۷    | ۱۵         | فراوانی                         | مجموع       |
| ۱۰۰ | ۱۸/۵          | ۴۱/۵  | ۱۴/۶  | ۱۸    | ۷/۳        | درصد فراوانی در وضعیت مشارکت    |             |
| ۱۰۰ | ۱۰۰           | ۱۰۰   | ۱۰۰   | ۱۰۰   | ۱۰۰        | درصد فراوانی در بین مالکیت زمین |             |
| ۱۰۰ | ۱۸/۵          | ۴۱/۵  | ۱۴/۶  | ۱۸    | ۷/۳        | درصد کل                         |             |

## جمعیت حوزه

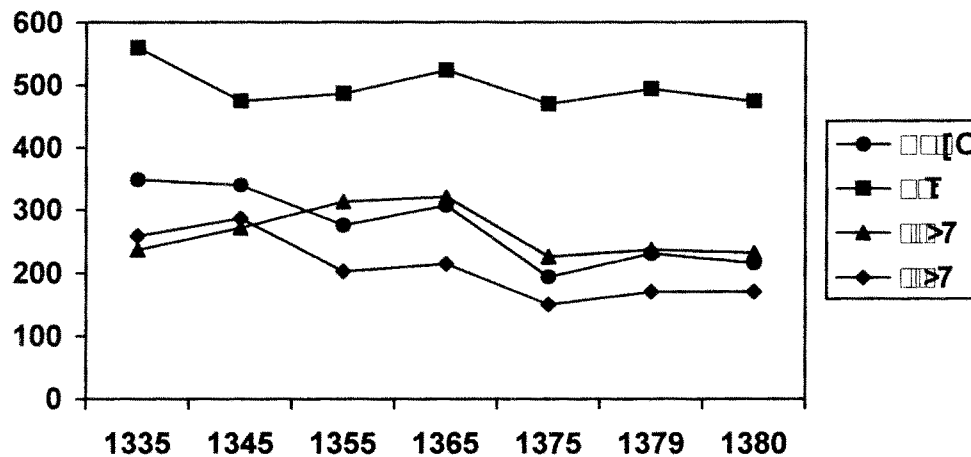
بر اساس آمارگیری سال ۱۳۸۰، کل جمعیت در چهار روستای مورد نظر (ساقی، مولید، رویخت و چهکند) برابر ۱۰۹۲ نفر (۲۹۵ خانوار) گزارش شده است. بعد خانوار ساکن در این حوزه معادل ۳/۸ نفر برآورد شده است. از این

تعداد ۴۷۴ نفر در قالب ۱۲۴ خانوار در روستای ساقی، ۱۷۰ نفر در قالب ۴۹ خانوار در روستای مولید، ۲۱۶ نفر در قالب ۶۵ خانوار در روستای رویخت و ۲۳۲ نفر در قالب ۵۸ خانوار در روستای چهکند ساکن است.

جدول ۷- تغییرات زمانی جمعیت از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰

| تعداد(نفر)<br>روستا | ۱۳۳۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ |
|---------------------|------|------|------|------|------|------|------|
| رویخت               | ۳۴۹  | ۳۴۰  | ۲۷۶  | ۳۰۷  | ۱۹۴  | ۲۳۱  | ۲۱۶  |
| ساقی                | ۵۶۰  | ۴۷۵  | ۴۸۷  | ۵۲۴  | ۴۷۰  | ۴۹۴  | ۴۷۴  |
| چهکند               | ۲۳۷  | ۲۷۲  | ۳۱۳  | ۳۲۱  | ۲۲۶  | ۲۳۷  | ۲۳۲  |
| مولید               | ۲۵۹  | ۲۸۷  | ۲۰۳  | ۲۱۵  | ۱۵۰  | ۱۷۰  | ۱۷۰  |

منبع: مرکز آمار جهادکشاورزی شهرستان بیرجند و تحقیقات میدانی، ۱۳۸۰



شکل ۱ - تغییرات جمعیت در منطقه طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰

R: نرخ رشد جمعیت  
 $P_1$ : جمعیت در پایان دوره  
 $P_0$ : جمعیت در ابتدای دوره (جمعیت پایه)  
 n: طول دوره زمانی

به استثنای روستای مولید، سه آبادی دیگر حتی در مدت کوتاه یک سال با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده‌اند. نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰ در هر آبادی به تفکیک و با توجه به رابطه زیر محاسبه شد:

$$R = [(P_1/P_0)^{1/n} - 1] \times 100$$

$$MG.R. = (b-d) + (I-e)/p \times 100$$

رشد منفی جمعیت در منطقه دال بر مهاجرت روستاییان به مناطق اطراف است.

B: موالید  
I: درون کوچی  
p: جمعیت  
D: مرگ و میر  
e: برون کوچی

### رگرسیون لوجستیک

براساس مدل لوجیت متغیرهای دانش بومی، مالکیت دام، مالکیت زمین زراعی و مهاجرت با متغیر وابسته مشارکت مورد سنجش قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد.

### رشد جمعیت

در چکهکند، ۰/۰۴۷- درصد، در ساقی ۰/۳۷- درصد، در رویخت ۱/۰۶- درصد و در مولید ۰/۹۳- درصد است. روند

جدول ۸- تاثیر متغیرهای مستقل در مشارکت بهره‌برداران به روش پیشرو گام به گام

| متغیر      | Correct Class % | Model |    |          | Improve |    |          | گام |
|------------|-----------------|-------|----|----------|---------|----|----------|-----|
|            |                 | Sig.  | df | Chi - sq | Sig.    | df | Chi - sq |     |
| دانش بومی  | ۶۷/۳۳           | ۰/۰۰۰ | ۱  | ۱۷/۳۹۵   | ۰/۰۰۰   | ۱  | ۱۷/۳۹۵   | ۱   |
| مالکیت دام | ۶۵/۳۵           | ۰/۰۰۰ | ۲  | ۲۱/۷۶۰   | ۰/۰۳۷   | ۱  | ۴/۳۶۵    | ۲   |
| مهاجرت     | ۶۵/۸۴           | ۰/۰۰۰ | ۳  | ۲۶/۸۸۳   | ۰/۰۲۴   | ۱  | ۴/۱۲۳    | ۳   |

معناداری ۰/۰۳۷ و در نهایت متغیر مهاجرت وارد شده که میزان کای اسکویر ۵/۱۲۳ و سطح معناداری ۰/۰۲۴ به دست آمد.

با عنایت به جدول ۸، در اولین گام متغیر دانش بومی وارد معادله شده و مقدار کای اسکویر ۱۷/۳۹۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ حاصل شد. سپس در گام بعدی با ورود متغیر مالکیت دام با بهبود کای اسکویر ۴/۳۶۵ و سطح

جدول ۹- مدل خلاصه شده رگرسیون لوجستیک

| Goodness of fit | Nagelkere R Square | Cox & Snell R Square | -2 Log Likelihood (تست همگنی) | گام |
|-----------------|--------------------|----------------------|-------------------------------|-----|
|                 |                    |                      | ۲۶۸/۵۱۵۶۸                     | ۱   |
| ۲۷۹/۱۶۸         | ۰/۱۶۹              | ۰/۱۲۵                | ۲۴۱/۶۳۳                       | ۲   |

مشخصه Improvement نشان می‌دهد که متغیرهای جدید مقدار کای اسکویر کاهش شدید دارد که این کاهش معنادار است.

مقدار Model Chi- Sq میزان تاثیرگذاری متغیرهای مستقل بر مشارکت را به نمایش درآورده و این مهم با سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مستقیم و معنادار را نمایان می‌سازد.

داده‌ها نشان می‌دهد که با وارد شدن متغیرهای مستقل در معادله مقدار همگنی -2 Log Likelihood کاهش می‌یابد، از این رو فرض صفر رد می‌شود و بیانگر آن است که متغیرها خوب برازش شده و در مشارکت بوده‌اند.

جدول ۱۰ - متغیرهای معادله رگرسیون لوجستیک

| متغیر      | ضریب ثابت B | انحراف استاندارد S.E | Wald    | df | Sig.   | نسبت برتری R | ضریب احتمال EXP(E) |
|------------|-------------|----------------------|---------|----|--------|--------------|--------------------|
| دانش بومی  | ۰/۴۲۲۶      | ۰/۱۵۹۴               | ۷/۰۳۰۶  | ۱  | ۰/۰۰۸۰ | ۰/۱۳۶۹       | ۱/۵۲۶۰             |
| مهاجرت     | ۰/۳۶۶۹      | ۰/۱۶۵۰               | ۴/۹۴۱۶  | ۱  | ۰/۰۲۶۲ | ۰/۱۰۴۷       | ۱/۴۴۳۲             |
| مالکیت دام | ۰/۴۳۷۹      | ۰/۱۷۵۶               | ۶/۳۱۸۰  | ۱  | ۰/۰۱۲۶ | ۰/۱۲۵۳       | ۱/۵۴۹۵             |
| عدد ثابت   | -۲/۹۴۰۵     | ۰/۷۸۴۰               | ۱۴/۰۶۸۰ | ۱  | ۰/۰۰۰۲ |              |                    |

$$\text{Log} \{p/(1-p)\} = B + b_1 x_1 + b_2 x_2 + b_3 x_3 =$$

$$-2/94.05 + 0/4226 x_1 + 0/4379 x_2 + 0/3669 x_3$$

$$-2/94.05 + 1/3.0 + 0/91 + 1/27 = 0/54$$

$$\text{Log} \{p/(1-p)\} = 0/54$$

$$p/(1-p) = e^{0/54}$$

$$p = e^{-0/54} / (1 + e^{-0/54}) = (1/716) / (2/716) = 0/62$$

داده‌ها نشان می‌دهد که با احتمال ۶۲ درصد متغیرهای مستقل بر مشارکت تاثیرگذار است.

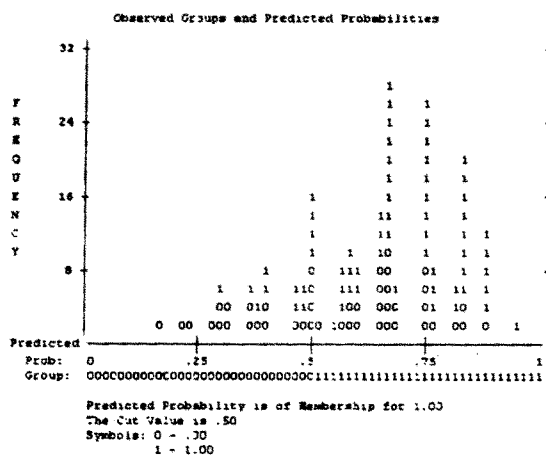
ضرایب مثبت دانش بومی، مهاجرت و مالکیت دام نشان می‌دهد که با افزایش بهره‌گیری از بهره‌بردارهای سنتی در مراتع، مهاجرت بیشتر و با فزونی مالکیت دامی احتمال مشارکت افزایش می‌یابد و نسبت برتری بیانگر نسبت بین فراوانی یک طبقه به فراوانی عدم تعلق به آن است. تست والد نیز معنادار بودن متغیرهای وارد شده در معادله را نشان می‌دهد. بر مبنای مقدار ثابت ضریب B معادله بهینه رگرسیون لوجستیک به صورت زیر ارائه می‌شود:

احتمال عدم مشارکت / احتمال (Ln برتری لگاریتمی =

$$\text{Log} (p/(1-p)) = 0$$

$$p/(1-p) = 1$$

$$p = (e^{a+bx} / 1 + e^{a+bx})$$



شکل ۲ - برآورد احتمالات و گروه‌های مشاهده شده

ابتدایی در زراعت مثال زنده‌این تحولات است. هرچند استفاده از این ادوات نیروهای ماهر و فعال انسانی را می‌طلبد، لیکن با تمام مشقات، نتایج مطلوب‌تری به همراه دارد. صنایع دستی و روستایی که امروز به تعداد معدودی کارگاه ساده قالیبافی محدود شده، شاهد دیگر این ادعاست. شناخت روستاییان از محیط پیرامون و طبیعت اطرافشان، نحوه مبارزه با مشکلات طبیعی، حفاظت از عرصه‌های مرتعی، زراعی و ... اگرچه ساده، ولی بسیار دقیق و کامل‌اند.

کاهش نرخ جمعیت در روستاهای روخت، مولید، ساقی و چهکنند از سال ۱۳۷۵ تاکنون (۱۰/۲، ۱۱/۷، ۰/۸ و ۲/۶) نشان‌دهنده مهاجرت روستاییان به مناطق دیگر بویژه شهرستان بیرجند است. عمده مهاجران روستا را جوانان تشکیل می‌دهند. مردان به انگیزه یافتن شغل و درآمد کافی روستا را ترک می‌کنند و با وجود علاقه شدید به زادگاه و خانواده‌شان، جذب بازار کار در شهرها می‌شوند. دختران و زنان نیز بعد از ازدواج و به تبعیت از همسران خود از روستا خارج می‌شوند. بنابراین مهاجرت در میان مردان آبادی از نوع اجباری - اقتصادی و در مورد زنان اجباری - تبعی است.

نظام پدرسالاری، احترام به بزرگان قوم و علاقه وافر به وطن و میل به پیشرفت زادگاه در میان مهاجران انگیزه مشارکت را تقویت کرده و با وجود آنکه این عده روستا را ترک کرده‌اند، اما هنوز هم رابطه خود را با آنجا حفظ کرده‌اند و چه بسا که بهره‌برداران مقیم شهرها در زمینه کمک‌های مالی مشارکت ارزنده و شایان توجهی دارند. در مجموع پدیده مهاجرت و برون‌کوچی نتوانسته تاثیر منفی بر روند مشارکت بگذارد. از دیدگاه برخی اندیشمندان توسعه، مهاجرت روستاییان عامل بازدارنده توسعه روستاها به حساب می‌آید. همچنان که فرجادی به نقل از مایکل تودارو(۵) به این مسئله اشاره می‌کند. افراد دیگر مانند فریدون کامران(۹) مهاجرت را در شرایط مکانی و زمانی خاص عامل توسعه می‌داند. زنجانی(۷) نیز معتقد است که در بسیاری از موارد خالی شدن روستاها چنانچه در چارچوب راهبردی خاص انجام نشود، از نظر توسعه منفی

نمودار نشان می‌دهد که بیش از ۶۵/۸۴ درصد افراد پاسخگو در مشارکت تاثیرگذارند. از آنجا که چولگی به سمت ۱ گرایش دارد، رابطه مستقیم متغیرهای دانش بومی، مالکیت دام و مهاجرت با مشارکت نمایان می‌شود.

## بحث و نتیجه گیری

مالکیت عرفی مراتع به دلیل عدم ممیزی و در نتیجه کاهش نظارت مسئولان مربوط به شکل سنتی بهره‌برداری می‌شود. از آنجا که به دلیل کمبود منابع آب، مراتع بویژه در فصول خشک تولید و بازده مناسب ندارند، با تبدیل بخشهای مناسب مالکیت خصوصی مترتب و در میزان مشارکت موثر است. به عبارتی مالکیت عرفی به دلیل عدم توجه بهره‌برداری عقلایی مورد توجه بهره‌برداران نیست. به نظر می‌رسد که با تبدیل مراتع، نقش مالکیت خصوصی در اراضی تبدیل شده تاثیر زیادی در میزان مشارکت بهره‌برداران دارد.

در بین چهار روستای منطقه، روخت و چهکنند به ترتیب بیشترین و کمترین میزان مالکیت زمین زراعی را دارند. مالکیت کم زمین و از سویی دیگر بعد بالای خانواده در روستای چهکنند، سرانه زمین زراعی را کاهش می‌دهد. کم بودن سرانه زمین سبب می‌شود که اتکای روستاییان چهکنند بر مبنای دامداری استوار شود.

همبستگی در روستاها اغلب مکانیکی است (دورگیم)، به عبارتی در روستاها همه پدیده‌های طبیعت به هم وابسته‌اند (۶). پافشاری علم مدرن بر درک رابطه علت و معلولی بین اجزای طبیعت سبب ایجاد تفاوت در نگرش تحصیل کردگان شهرنشین و بومیان روستایی شده و استدلال بومیان را خرافی جلوه می‌دهد. منطقه مورد نظر نیز از این قاعده مستثنا نیست. با گذشت زمان شیوه‌های سنتی و معمول بین روستاییان تغییر و تحول می‌یابد. توجه به نقش ارتباطات و رواج سیاست‌های مصرف‌گرایی در این مقوله حایز اهمیت فراوان است. نمونه بارز این تغییرات را در روش‌های رایج کشاورزی شاهدیم. جایگزین شدن ادوات سنگین و مدرن کشاورزی به جای وسایل ساده و کاملاً

بیشتر دام به‌عنوان عامل موثر در مشارکت بهره‌برداران نقش دارد. از آنجا که دام بیشتر نیازمند تامین علوفه، دارو و هزینه‌های جاری است و با نوسانات قیمت دام و فرآورده‌های دامی ارتباط مستقیم دارد، ضروری است در مالکیت بهینه دام به مسئله خط فقر و توجیه اقتصادی دامداری باز، توجه شود تا در رابطه بین تعداد دام و انگیزه مشارکت بهره‌برداران خللی ایجاد نشود. سیر تحرک و تغییر جمعیت، اگرچه هرم سنی جمعیت روستا را به پیری می‌کشاند و در عمل قدرت فعالیت و توان کار روستا را متاثر می‌سازد، لیکن در منطقه، با وجود مهاجرت شدید و رشد منفی جمعیت (بعد خانوار منطقه ۳/۷ نفر در مقابل بعد خانوار کشور ۴/۸ نفر) همکاری قشر روستایی به‌دلیل ضعف تکنیک، فقر فرهنگی و اقتصادی و اتکا به دانش بومی تنزل نیافته و سنت‌ها همچنان با قدرت و قهر و غلبه حاکمیت دارد. آنگاه که نیروی جوان، منطقه را ترک می‌کند، همکاری و همیاری بین خانواده‌ها شرط لازم برای استمرار حیات است. از این‌رو اهمیت تکیه بر دانش بومی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت در بهره‌برداری بهینه از مراتع، نمایان می‌گردد.

### پیشنهادها

در روند تهیه طرح‌های مرتعداری، برخورداری از دانش بومی ضرورت دارد. احترام به سنت‌ها و آداب و رسوم کهن، نظام پدرسالاری و روابط خویشاوندی در حوزه مورد مطالعه از جایگاه خاصی برخوردار است که توجه به این اصول، زمینه مشارکت را آماده و فعال می‌کند. در مقام مقایسه نیز مشخص شده که موفقیت زیاد در اجرای رسوم سنتی و رایج منطقه منجر به همکاری بیشتر روستاییان می‌شود. برای این منظور باید دیدگاه‌های نظری و عملی کارشناسان با دانش بومی و اندوخته‌های تجربی روستاییان در هم آمیخته شود. در این‌باره توصیه می‌شود که به بررسی، مطالعه و گردآوری اطلاعات سنتی و دانش بومی‌اهالی منطقه پرداخت و با طبقه بندی و انطباق آن با داده‌های علمی در زمینه‌های مختلف راه‌های بهتری برای بهبود

تلفی می‌شود. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش با مطالعه فریدون مطابقت و با نظر تودارو مغایرت دارد. دلیل عمده هماهنگی با فریدون همان‌طور که خود وی اشاره می‌کند، یکسان بودن شرایط زمانی است. زنجانی هم در تحقیق خود به نقش سنت‌ها و باورهای روستاییان و تاثیر آن بر نحوه رفتارها توجهی نداشته است. در حالی‌که در حوزه آبخیز چکند با وجود اینکه سیاست خاصی در برای اقدام روستاها صورت نگرفته، لیکن به‌علت پایبندی شدید مهاجران به آداب و رسوم خویشاوندی - سنتی، مشارکت کاهش نیافته است. شاید بتوان گفت در اجتماعات کوچک همبستگی، همیاری و خودیاری بیشتر از اجتماعات وسیع است. از این‌رو با افزایش مهاجرت بخصوص نیروی نسل جوان، نیاز به همبستگی گروهی بیشتر احساس می‌شود و این پدیده در منطقه مورد مطالعه مصداق دارد. به‌دلیل عدم بهره‌گیری از تخصص و سرمایه از همبستگی ارگانیک به‌سوی همبستگی مکانیکی می‌رویم.

در رگرسون لوجستیک متغیرهای دانش بومی، مالکیت واحد دامی و مهاجرت به ترتیب در مشارکت بهره‌برداران از مراتع بیشترین سهم را دارند و نمایانگر این است که اقدام‌های اعمال شده تا حد زیادی انگیزه‌های مشارکت بهره‌برداران از مراتع را بارور کرده است.

موفقیت نسبی اجرای طرح قرق و بادامکاری، بشدت مشارکت بهره‌برداران را تحت الشعاع قرار داده است. در منطقه، این پدیده که قبل از اصلاحات ارضی توسط مالکان مراتع اعمال می‌شد، آثار مثبتی داشت که همگان از آن به نیکی نام می‌برند. پس از پیروزی انقلاب مسئله قرق مراتع، احداث باغ‌های بادام و اصلاح و احیای مراتع با مخالفت و ممانعت ضمنی بهره‌برداران مواجه شد، اما با افزایش تولید علوفه در واحد سطح، باروری باغ‌های بادام و بهبود کیفیت خاک، بهره‌برداران رفته رفته با آثار مثبت اصلاح و احیا آشنا شدند، به‌طوری‌که با مشارکت گروهی خود اقدام به قرق و بادامکاری و ... کرده‌اند، امری که تلفیق و تاثیر دانش بومی را در مدیریت علمی مراتع به‌همراه دارد.

مالکیت واحد دامی از نظر پایگاه و منزلت اجتماعی روستاییان بسیار مهم است. بررسی نشان داد که مالکیت

کمبود علوفه و خوراک دام در ایام خشکسالی، بزرگ‌ترین مشکل بهره‌برداران و بویژه دامداران منطقه است. به نظر می‌رسد کشت نهال‌های Atriplex بتواند تا حدی با این معضل مقابله کند. احداث مزارع Atriplex در وسعت کم و حدود ۵ هکتار، سیم‌کشی و حصارکردن این قطعات و حفاظت از آن در فصول ترسال برای منطقه پیشنهاد می‌شود. در مواقع خشکسالی و کمبود علوفه می‌توان از این مزارع برای چرای دام استفاده کرد. با توجه به مسئله کمبود آب در مناطق خشک این گیاه نیاز آبی زیادی ندارد، در حالی که کشت یونجه و دیگر علوفه‌های مورد مصرف دام به آب زیادی نیاز دارد (ص ۶).

مراعات به‌وجود آورد، سپس به اشاعه آن در جامعه مرتعداران پرداخت، یعنی تجربیات گذشته در کنار امکانات امروزی (ص ۸).

از گذشته تا کنون بهره‌برداری از مراعات منطقه به‌صورت مشاعی و بدون داشتن برنامه‌ای مدون انجام می‌شده و بجز چند سال اخیر که طرح فرق مراعات پیاده شده، برنامه منظم و کنترل‌شده‌ای در استفاده از عرصه‌ها وجود نداشت. با توجه به این وضعیت در حال حاضر پیشنهاد می‌شود که با ایجاد گروه‌های چند نفره و با نحوه تصرف یکساله مشاع به‌صورت گروهی بهره‌برداری از مراعات صورت گیرد. تصمیم‌گیری درباره تاریخ شروع بهره‌برداری از مراعات و نحوه توزیع آن بین بهره‌برداران با مشورت اهالی روستا انجام شود (ص ۷).

## منابع

- ۱- ابراهیم پور، محسن، ۱۳۷۹. وضعیت و جایگاه کنش مشارکتی و عوامل موثر بر آن در آبخیزداری، انتشارات موسسه توسعه روستایی.
  - ۲- آرخی، صالح، ۱۳۷۷. بررسی نهادهای سنتی بهره‌برداری مراعات دشت گمیشان و نقش آنها در اصلاح و احیای مراعات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
  - ۳- انصاری، ناصر، ۱۳۷۶. بررسی دلایل و عوامل موثر در عدم مشارکت عشایر در طرح‌های اصلاح و احیای مراعات، انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان.
  - ۴- انگبرگ، لیلی، ۱۳۷۷. نقش خانوارهای روستایی و تخصیص منابع در توسعه، ترجمه غلامحسین صالح نسب، چاپ اول، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
  - ۵- تودارو، مایکل، ۱۳۶۵. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج اول، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
  - ۶- خلیقی، نعمت‌ا...، ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی روستایی ایران، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ص ۵۹.
  - ۷- زنجانی، حبیب‌ا...، ۱۳۷۸. روستا، جمعیت و توسعه، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، فصلنامه روستا و توسعه، ش ۳ و ۴.
  - ۸- سنجر، غلامرضا، ۱۳۷۲. مروری بر فعالیت‌های اصلاح و احیای مرتع چشمه گل تربت جام، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان خراسان.
  - ۹- کارمران، فریدون، ۱۳۷۴. توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات آوای نور، تهران.
  - ۱۰- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۲. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار Spss، مهندسی مشاور طرح و منظر، چاپ علامه طباطبایی، ص ۲۰۱ - ۱۹۹.
- 11- H.C Tri, 1986. popular participation in development F.A.O of participation Hongkong.

- 12- Niamir, Maryam, 1995. Indigenous system of natural resource management among pastoralists of arid and semiarid Africa, D.M. Warren and others (eds.)
- 13- Woog, R.A, Kelleher, F.M. and Tunner, A.S. 1993, Methodological Issues in extension Research and Practice . Paper submitted to Association for International Agricultural and extension Education International Symposium : preparing for the 21<sup>th</sup> century.



# **A Study of the Role of Population, Indigenous Technology and Ownership in People's Participation in Rangelands Proper Exploitation. (Chahkand Watershed, Birjand)**

**N. Khalighi<sup>\*1</sup>, B.CHAKOSHY<sup>2</sup> and M.Kia<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> Natural Resource Department, Gorgan university, I. R. Iran

<sup>2</sup> Graduate Student natural resources, I. R. Iran

<sup>3</sup> Undergragate student of natural resources, I. R. Iran

(Received: 13 Oct 2002, Accepted: 21 May 2005)

## **Abstract**

The basic aspects of natural resources management are exploitation and regeneration of the resources through conservation as well as stablishment of suitable conditions. Some reforms, during the last two decates, proved the necessity of people's participation in reclamation and management of resources, and this is due to vast expansion of resources in arid, semi-arid and humid climates, population growth, unlawful and excesive exploitation, which has created problems for managers and experts. Without community participation the peroblems would be certainly unsolved. Through priliminary studies the necessary information about economy, social and native culture have been collected and literature review done. A questionnaire was developed, but for random sampling of 205 families in the area exploiters were interviewed. The study conducted show that among different factors,three factors, of: application of modern technology, ownership of livestock units and economy have the highest effect on people's participation, with beta order (net correlation coefficient) of: 35.7, 21.2 and 17.8 respectively. On the basis of the obtained results, numerous suggestions have been provided, and proposed.

**Keywords:** Poverty limit, Indigenous knowledge, Held in Common, Stuck unit.